

## استعمارگری نو: ریشه‌ها، انگیزه‌ها و مناقشات تاریخی

۵ مهر ۱۴۰۴ ساعت ۱۳:۵۱

در حالی که نقطه آغاز استعمارگری نو موضوعی بحث‌برانگیز است و برخی آن را به قرون ۱۸ و ۱۹ محدود می‌کنند، و عده‌ای دیگر به جنگ‌های لیبی و استعمارگری دینی مسیحیان نسبت می‌دهند، نمی‌توان از پیوند ناگسستنی آن با امپریالیسم چشم پوشید. این پدیده، حتی کشورهایی چون ایران و امپراتوری عثمانی را که مستعمره مستقیم نبودند، درگیر کشمکش با نیروهای امپریالیست کرده است. از جنگ‌های صلیبی تا ادعای رهایی سرزمین‌های مقدس، انگیزه‌های دینی نیز همواره در این مسیر نقشی کلیدی ایفا کرده‌اند و پیچیدگی‌های این پدیده تاریخی را دوچندان می‌سازند.

در رابطه با دوره واقعی آغاز استعمارگری نو توافق چندانی وجود ندارد. برخی آن را به قرون ۱۸ و ۱۹ محدود می‌کنند و برخی آن را محدود به دوره استعمارگری دینی میدانند که در جنگ‌های لیبی رخ داد. هر چند این ادعا از سوی عیسویان رد شده است.

«استعمارگری دوران نو پدیده‌ای است که از امپریالیسم - یعنی کشورگشایی، رخنه‌گری و برتری جویی - جدایی‌ناپذیر است. تاریخ کشورها یا واحدهای جغرافیایی یا تاریخی‌ای که مستعمره هم نبوده‌اند - هم چون ایران در دو سده ۱۸ و ۱۹، امپراتوری عثمانی کوتاه‌زمانی پیش از سال ۱۹۱۴، برخی از کشورهای آمریکای میانه و آمریکای جنوبی - نمایانگر کشمکش‌های آن‌ها با نیروهای امپریالیست است. عرب‌های مسلمان جنگ‌های صلیبی - یا جهاد صلیبی - را که اروپاییان در سده‌های ۱۱ تا ۱۳ به راه انداختند سرآغاز امپریالیسم اروپا می‌شناسند. اما عیسویان مغرب زمین بر این گمان‌اند که انگیزه جهاد صلیبی رهانیدن سرزمین قدسی فلسطین - خاستگاه عیسویت - از چنگ عرب‌ها بود، که بر آن چیره شده بودند. پس در استعمارگری دین - به ویژه دین مسیح - یکی از انگیزه‌ها بوده است.»

منبع: مهران توکلی، استعمار، استعمارگری، استعمارزدایی، جهان سوم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵، صص ۱۷-۱۸

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/50197/نو-استعمارگری-ریشه-انگیزه-مناقشات-تاریخی>